

Biannual Journal of Applied Counseling
2016, 6(1), 47-64
Received: 14 Sep 2016
Accepted: 25 Oct 2016
DOI: 10.22055/jac.2017.20212.1380

دوفصلنامه مشاوره کاربردی
۶۴-۴۷، ۶(۱)، ۱۳۹۵
دریافت: ۹۵/۰۶/۲۴
پذیرش: ۹۵/۰۹/۰۲

بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش
نسبت به خیانت زناشویی^۱

The study model of religious beliefs, conflict resolution styles, and
marital commitment with attitudes toward marital infidelity

Naser Yoosefi
Bentollaha Karimipour
Ahmad Amani

ناصر یوسفی
بنت‌الهدا کریمی‌پور
احمد امانی

Abstract

Marital unfaithfulness, as a traumatic event, can endanger a couple's marital life. The current research was conducted to aimed investigate model of religious beliefs, conflict resolution styles, and marital commitment with attitude toward marital infidelity, on parents of preschool and elementary students in Pole-Dokhtar city. 279 parents select by multi-stage cluster random sampling method, and responded to Azerbaijani Religious Orientation, Rahim Conflict Resolution Styles, Adams and Jones Marital Commitment, and Whatley Attitudes toward Infidelity Questionnaires. The data were analyzed using Structural Equation Modeling method (SEM) and SPSS-16 and AMOS-21 statistic software's. The results showed that resolution styles there are significant positive correlation between religious beliefs and conflict resolution styles with marital commitment and significant negative correlation between marital commitment and attitude toward infidelity, but there is not a correlation between conflict resolution styles and attitude toward infidelity. Also, marital commitment mediated the relationship between religious beliefs, conflict resolution styles and attitude toward infidelity. According to the findings can be conclusion that marital commitment a role of mediate have in decrease extramarital relations.

Keywords: Religious beliefs, marital conflict, marital commitment, marital infidelity

چکیده

پیمان‌شکنی به‌عنوان یک رویداد آسیب‌زا، می‌تواند زندگی زناشویی یک زوج را به مخاطره اندازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی بر روی والدین دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی شهرستان پلدختر انجام شد. ۲۷۹ والد به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های جهت‌گیری مذهبی آذربایجانی، سبک‌های حل تعارض رحیم، تعهد زناشویی آدامز و جونز و نگرش به خیانت زناشویی واتلی پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای آماری SPSS-۱۶ و AMOS-۲۱ تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین باورهای مذهبی و سبک‌های حل تعارض با تعهد زناشویی رابطه مثبت و بین تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی رابطه منفی و معنادار جود دارد، اما بین سبک‌های حل تعارض و نگرش نسبت به خیانت زناشویی همبستگی مشاهده نگردید. همچنین تعهد زناشویی میانجی رابطه بین باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و نگرش نسبت به خیانت زناشویی است. بر اساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که باورهای مذهبی و سبک‌های حل تعارض از طریق تعهد زناشویی باعث کاهش روابط فرا-زناشویی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: باورهای مذهبی، تعارض زناشویی، تعهد زناشویی، خیانت زناشویی

۱. این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه کردستان با مجوز پژوهشی شماره HF۱۲۴۰۶ می‌باشد.

* دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)
naseryoosefi@yahoo.com

** کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه کردستان

*** دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه کردستان

مقدمه

خیانت زناشویی^۱ موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ای گیج‌کننده و دردناک برای همه‌ی کسانی باشد که با آن درگیرند، افزون بر این، خیانت یکی از دلایل عمده‌ی طلاق و از هم پاشیدن ازدواج است (شاکلفورد، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روابط فرا-زناشویی^۲، عمده‌ترین دلیل از هم پاشیدگی روابط زناشویی و زمینه اصلی تعارض‌ها و اختلاف‌های زناشویی است (پلات، نالبون، کاسانوا و وچلر، ۲۰۰۸). خیانت زناشویی بر اساس یک تعریف کلی، نقض تعهد رابطه دو نفره است که منجر به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه می‌شود (اوبرام و آمیچایهامبورگر، ۲۰۰۵). خیانت به‌عنوان تخطی از تعهد در روابط عاطفی یا جنسی و یا هر دو تعریف می‌گردد، که منجر به دور شدن از ارتباط بنیادی، بدون رضایت طرف مقابل است (فیف، ویکز و ستلبرگ-فیلبرت، ۲۰۱۳). به هر حال هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد^۳، جاذبه و تفاهم^۴ است. تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (موسکو، ۲۰۰۹). تعهد زناشویی رابطه‌ای است که در آن افراد دیدگاه بلند مدتی روی ازدواجشان دارند، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند، برای حفظ و تقویت همبستگی و اتحادشان قدم بر می‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواجشان پاداش‌دهنده نیست، می‌مانند (هارمون، ۲۰۰۵). مطالعه‌ای نشان می‌دهد زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده‌اند و رفتاری دوسوگرایانه دارند در ازدواج و در رابطه با دیگران دچار مشکل می‌شوند و غالباً نتیجه امر بی‌وفایی خواهد بود (کالهن، ۲۰۰۴). جانسون تعهد را به سه بخش مجزا تقسیم می‌نماید: تعهد شخصی^۵، تعهد اخلاقی^۶ و تعهد ساختاری^۷. این سه قسمت تعهد، مربوط به رضایت از رابطه می‌باشند. تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است که مبتنی بر جاذبه و رضایت زناشویی است. این تعهد منعکس‌کننده تلقی‌های فرد نسبت به شریک زندگی و رابطه‌اش و همین‌طور میزان اهمیت رابطه برای هویت فرد است (رامیرز، ۲۰۰۸). بعد دیگر تعهد زناشویی، تعهد اخلاقی است که اشاره به تعهدی دارد که افراد احساس می‌کنند که باید در رابطه باقی بمانند. ارزش‌ها و باورهای بنیادین فرد درباره‌ی مسیر رفتار صحیح در رابطه، بر محوریت تعهد اخلاقی قرار دارد (نلسون، کاک، این و سرز، ۲۰۱۱). تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس می‌کند به دلیل عوامل خارجی باید در رابطه باقی بماند (تانگ و کوران، ۲۰۱۲). به اعتقاد راسبالت (۱۹۸۰) نظریه سرمایه‌گذاری^۸ مبتنی بر نظریه‌های وابستگی متقابل و مبادله اجتماعی است. در این مدل، تعهد بر مبنای

1. marital infidelity
2. extramarital affairs
3. commitment
4. attraction & and agreement
5. personal commitment
6. ethical commitment
7. structural commitment
8. investment theory

میزان احساس دل‌بستگی فرد به همسر خود و علاقمندی به حفظ رابطه با وی، شکل می‌گیرد و در نتیجه وابستگی متقابل زوجین بوجود می‌آید. تعهد به این نکته اشاره دارد که آیا افراد پس از مواجه شدن با مسائل و مشکلات زناشویی همچنان خواهان تداوم زندگی زناشویی خود هستند و یا به آن خاتمه می‌دهند. بر اساس مدل سرمایه‌گذاری، تعهد توسط سه عامل احساس رضایت-وابستگی، کیفیت ارتباط با نفر دیگر یا همسر جدید و میزان سرمایه‌گذاری در رابطه با همسر پیش‌بینی می‌گردد. زمانی که زوجین انتظارات یکدیگر را برآورده کرده و جنبه‌های مثبت رابطه آن‌ها بیش از جنبه‌های منفی باشد، احساس رضایت‌مندی بیشتری کرده و در نتیجه از تعهد و پایبندی بالاتری برخوردار می‌گردند. همچنین هنگامی که زوجین بر منابعی نظیر، فرصت با هم بودن، عواطف و احساس‌های فی‌مابین و دارایی‌های مشترک، سرمایه‌گذاری بیشتری کنند و کیفیت ارتباط با نفر دیگر ضعیف باشد، احتمال تعهد و وفاداری به همسر افزایش می‌یابد. راسبالت (۱۹۸۰) نشان داد زوجینی که در روابط خود، از احساس رضایت و میزان سرمایه‌گذاری کافی برخوردارند و ارتباطشان با همسرانشان باشد، با احتمال بیشتری متعهد و پایبند به روابط زناشویی هستند. هارمون (۲۰۰۵) نشان داد که مؤلفه تعهد بهترین و قدرتمندترین پیش‌بینی کننده استمرار و تداوم یک رابطه است و بین سه عامل احساس رضایت، کیفیت ارتباط جدید (نفر دیگر) و سرمایه‌گذاری بر روابط زناشویی، نقش میانجی را ایفا می‌کند. با این وجود مطالعه راسبالت، ورت، ویتنی، اسلوویک و لیپکوس (۱۹۹۱) نشان داد که با کنترل متغیر تعهد، دو مؤلفه احساس رضایت و کیفیت ارتباط با شخص ثالث، بر ارتباط زوجین به‌طور مستقیم تأثیرگذارند (لاواندووسکی و آکرمن، ۲۰۰۶). یافته‌های شیوتا و لونسون (۲۰۰۷)، مسترز (۲۰۰۸)، کاپینوس و جانسون (۲۰۰۸) و کریمی و بهمنی (۱۳۹۰) نشان دادند که سطوح بالای تعهد با ابراز عشق بیشتر، سازگاری، ثبات و رضایت زناشویی بالاتر رابطه دارد و عدم تعهد، معشوقه‌بازی و بی‌بند و باری جنسی باعث کاهش رضایت جنسی، افزایش شک، بالارفتن امکان جدایی و بی‌اعتمادی در رابطه می‌شود.

براوو و لپکین (۲۰۱۰) در مدلی برای تبیین خیانت‌های زناشویی دو عامل مؤثر در رخداد این پدیده را تعارض و اختلاف‌های میان زوجین عنوان کردند. اسمیت، گرین و پراتی (۲۰۱۵) نشان دادند که خیانت زناشویی هم به عنوان علت و هم پیامد کیفیت زناشویی پایین، می‌باشد. اگر تعارض به صورت مفید مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند عاملی پر بار در جهت درک عمیق‌تر روابط متقابل و نزدیک‌تر مبرخس باشد؛ بنابراین، سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین افراد درگیر زیاد وابسته نیست بلکه، به چگونگی توزیع و نحوه حل تعارض بستگی دارد. بنابراین مهارت‌های حل تعارض یک شاخص کلیدی در روابط عاشقانه موفق می‌باشند و افرادی که دارای مهارت‌های قوی حل تعارض هستند طول رابطه خود را افزایش می‌دهند (دلوی و ویسکریج، ۲۰۱۳). رحیم (۱۹۸۳)، به نقل از حقیقی، زارعی و قادری، (۱۳۹۱) سبک‌های حل تعارض را راهبردهای مدیریت کردن تعارض می‌داند که شخص در هنگام مواجهه با تعارض، از آن‌ها استفاده می‌کند. دو بعد اساسی که در حل تعارض مؤثرند عبارتند از: اهمیت دادن به خود و اهمیت دادن به دیگران. بر اساس این دو بعد، پنج سبک حل تعارض وجود دارد که عبارتند از:

سبک‌های یکپارچگی^۱، ملزم شده^۲، سلطه‌گرانه^۳، اجتنابی^۴ و مصالحه^۵. سبک‌های یکپارچگی و ملزم شده را سازنده و سبک‌های مسلط و اجتنابی را غیرسازنده دسته‌بندی می‌کنند. سبک حل تعارض سلطه‌گرانه با جهت‌گیری تهدیدآمیز مشخص می‌شود و شخص در این شیوه برای رسیدن به هدف خود اقدام به هر کاری کرده و نیازها و انتظارات دیگری را نادیده می‌گیرد. سبک مسلط به وسیله اهمیت دادن بالا به خود و اهمیت دادن پایین به دیگران مشخص می‌شود، این سبک به عنوان سبک رقابتی شناخته شده است. در این سبک رفتار افراد تحمیل کننده است (رحیم، ۱۹۸۳). سبک حل تعارض اجتنابی با موقعیت‌های انزوا، اعطای مسئولیت به دیگران، دیگران را مقصر دانستن و خود را کنار کشیدن در ارتباط است (رحیم، ۱۹۸۳). سبک اجتنابی با اهمیت دادن پایین به خود و دیگران مشخص می‌شود و معمولاً با کناره‌گیری توأم است، در این سبک مسئولیت به شخص دیگر واگذار می‌شود. این افراد امیدی ندارند که از حل تعارض سودی کسب کنند بنابراین، کناره‌گیری از تعارض را ترجیح می‌دهند. سبک یکپارچگی که سبک سازنده حل تعارض محسوب می‌شود، مستلزم اهمیت دادن زیاد به خود و دیگران است. این سبک مستلزم تشریک مساعی بین دو طرف است. سبک ملزم شده مستلزم اهمیت دادن پایین به خود و اهمیت دادن بالا به دیگران است. در این افراد اضطراب به نحوه متفاوتی فراخوانده می‌شود. آن‌ها در جستجوی دستیابی به راه‌حلی هستند که هماهنگ و سازگار با دیگران باشند؛ و سبک مصالحه در میان سایر سبک‌ها از یک موضع میانه برخوردار است، و بر اساس یک راهبرد داد و ستد و بر اساس یک تصمیم‌گیری دوجانبه قابل قبول اتخاذ می‌شود (بن -اری و هیشبرگ، ۲۰۰۹).

تحقیقات نشان می‌دهند که بین سبک‌های حل تعارض با تعهد زناشویی همبستگی وجود دارد، کیفیت حل تعارض توسط فرد می‌تواند در افزایش یا کاهش تعهد زناشویی نقش داشته باشد (هارمون، ۲۰۰۵). در واقع، توانایی زوج در حل تعارض‌های خود با حفظ کل نظام خانواده همراه است و از این رو هر قدر زوجها در این زمینه کارآمدتر عمل کنند رابطه بهتر و منسجم‌تری خواهند داشت. به میزانی که زوجها در حل تعارض‌های خود موفق‌تر عمل کنند، از همبستگی بیشتری در نظام زن و شوهری برخوردار می‌شوند و در این وضعیت از قدرت عناصر تعارض ساز خانواده کاسته می‌شود و زوجها به جای تعارض به سمت تعاملات مثبت‌تر و کارسازتر حرکت می‌کنند (بخشی پور، اسدی، کیانی، شیر علی پور و احمد دوست، ۱۳۹۱). پژوهش‌های ویس (۲۰۱۴)، مورارا و ترلک (۲۰۱۲)، دیلدار، سیتوات و یاسین (۲۰۱۳) و چنگ (۲۰۱۰)، به نقش تأثیرگذار آموزش مهارت‌های حل تعارض زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر پرداخته‌اند و تأکید می‌کنند که آموزش مهارت‌های لازم جهت حل تعارض‌های زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر و بالا رفتن تعهد آن‌ها مفید است. سلامت معنوی و باورهای مذهبی قوی نیز

1. integrating style
2. obliging
3. dominating
4. avoiding
5. compromising

دو متغیر مهمی هستند که نقش مهم آن در بهبود تعهد زناشویی و ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و پایداری ازدواج در بسیاری از تحقیقات نشان داده شده است (آلن، رودس، استنلی، مارکمن، ویلیامز، ملتون و کلمنتس، ۲۰۰۸). یک مطالعه نشان داده است که میزان روابط خارج از ازدواج در افراد مذهبی کمتر است (آتکینز، باکوم و جاکبسون، ۲۰۰۱). در این زمینه، دین ترکیبی از باورها و شیوه‌های ترویج شده توسط نهادهای مذهبی است که رفتار، نگرش، ارزش‌ها و باورهای فرد را شکل می‌دهد (شرام، مارشال، هریس و لی، ۲۰۱۲). روی آورد کلی شخص که از مذهب اتخاذ کرده است، یعنی، در ارتباط با موجودی متعالی (قدسی) مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی جهت‌گیری مذهبی^۱ نامیده‌اند. جهت‌گیری مذهبی را می‌توان تقریباً معادل دین‌داری^۲ یا دین‌ورزی در نظر گرفت (آذربایجانی، ۱۳۸۰).

تحقیقات مختلف، وجود ارتباط مثبت بین دو نهاد مذهب و خانواده را تأیید کرده‌اند. مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت کند و استحکام بخشد (کال و هیتون، ۱۹۹۷). دین‌داری به عنوان یک عامل مهم حفاظتی شناخته شده است که به نظر می‌رسد سپری در برابر خطرات مرتبط با طیف گسترده‌ای از پیامدهای منفی زندگی زناشویی باشد (کاتالانو، برگلند، رابین، لانشک و هاوکینز، ۲۰۰۴؛ هاوکینز، کاتالانو و میلر، ۱۹۹۲). زندگی بدون تعارض در سایه توجه به مسایل معنوی و پرورش اعتقادات مذهبی است. ارزش‌ها به زندگی معنا می‌بخشند و پناهگاهی در اوج بحران‌های زندگی همانند غم و اندوه، فقدان و ماتم، تلقی می‌شوند. محققان معتقدند که مذهب برای زوجین دستورالعمل‌هایی را برای رسیدگی و حل تعارض در زمان به وجود آمدن مشکل ارائه می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۵؛ لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶). در واقع، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین دینداری و کاهش تعارض زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (کورتیس و الیسون، ۲۰۰۲). دماریس، ماهونی و پارگامنت (۲۰۱۰) دینداری را مهمترین عامل در سازگاری زناشویی گزارش می‌دهند. تحقیقات ماهونی (۲۰۰۵)، هانلر و گنکوز (۲۰۰۵)، شرام و همکاران (۲۰۱۲)، متینگ لی، ویلسون، کلارک، باگت و وایدلر (۲۰۱۰) نشان دادند که افراد مذهبی نسبت به افراد غیرمذهبی تعهد و رضایت زناشویی بالاتری دارند. اگر زوجین در مسائل مذهبی اشتراک نظر نداشته باشند، دین می‌تواند یک منبع قابل توجهی از تعارض زناشویی باشد. در مقابل مذهب می‌تواند یک منبع برای حل و فصل تعارض باشد، و مشارکت مذهبی واحد و مشترک زوجین با حل تعارض موثر همراه است (دودلی و کوسنیسکی، ۱۹۹۰).

با توجه به این امر که خانواده اولین و مهمترین نظام ارتباطی برای هر فرد به شمار می‌رود و زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد سلامت جامعه است و با نظر به آثار و پیامدهای مختلفی که تعارض زناشویی و خیانت زناشویی در ازدواج، بر زندگی خانوادگی دارد و در نتایج پژوهش‌های مختلف به آن اشاره گردید. این پژوهش به دنبال بررسی مدل تعهد زناشویی به عنوان میانجی بین باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و نگرش به خیانت زناشویی بود.

-
1. religious orientation
 2. religiosity

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی است. جامعه‌ی این پژوهش، کلیه والدین (زوج) دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی شهرستان پلدختر در سال ۹۴-۹۵ بود. حجم نمونه بر اساس دستورالعمل بنتلر و هو (۱۹۹۹) به ازای هر متغیر ۱۵ نفر و در مجموع ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از میان ۳۰ مدرسه ابتدایی و پیش‌دبستانی در شهرستان پلدختر (۵ مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس) انتخاب شدند. شرکت‌کننده‌ها بر اساس ملاک‌های ورود زیر تمایل به شرکت در مطالعه، داشتن حداقل سن ۲۶ سال، داشتن حداقل مدت ازدواج ۶ سال و داشتن حداقل یک فرزند انتخاب شدند. باید خاطر نشان کرد که ۲۱ پرسشنامه که به صورت ناقص برگردانده شده بودند از کل نمونه حذف شدند، که حجم نمونه به ۲۷۹ نفر تقلیل یافت (نرخ بازگشت در حدود ۹۳ درصد است).

ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه سنجش دینداری^۲. این مقیاس در سال ۱۳۸۲ توسط آذربایجانی تدوین و ده مقوله رابطه‌ی انسان با خدا، رابطه‌ی انسان و آخرت، اولیای دین، اخلاق فردی، روابط اجتماعی، معیشت، خانواده، ابعاد جسمی و انسانی و طبیعت را مورد سنجش قرار می‌دهد؛ و دارای ۶۰ ماده و هر ماده در یک طیف لیکرت چهار رتبه‌ای (از کاملاً موافقم: نمره ۳ تا کاملاً مخالفم: نمره ۰) تنظیم شده است این پرسشنامه از ۳۸ سؤال مثبت و ۲۲ سؤال منفی (۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۵، ۳۱، ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۵۱، ۵۵، ۵۶ و ۶۰) تشکیل شده است، و دارای دو خرده مقیاس عقاید و مناسک و اخلاقیات است. نمره‌های بالا در این ابزار نشان دهنده گرایش‌های مذهبی نیرومندتر است. آذربایجانی (۱۳۸۲) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های عقاید و مناسک ۰/۹۴، اخلاق ۰/۷۹ و کل پرسشنامه ۰/۹۳ و تیرایی (۱۳۸۷) ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری مذهبی ۰/۸۴ گزارش کردند. روایی محتوایی این پرسشنامه بر اساس نظرات ک CVI / بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی این پرسشنامه شامل دو عامل عقاید - مناسک و اخلاقیات است (آذربایجانی، ۱۳۸۲). در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های عقاید و مناسک و اخلاق به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسشنامه تعهد زناشویی^۳ (DCI). این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) ساخته شده و شامل ۴۴ ماده و سه خرده مقیاس تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. ماده‌های این پرسشنامه بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) مرتب شده

-
1. Bentler & Hu
 2. Religiosity Assesment Questionnaire
 3. Marital Commitment Inventory

است، که نمره بالاتر در این ابزار به معنی تعهد زناشویی بالاتر است، ماده‌های ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. آدامز و جونز (۱۹۹۷)، به نقل از جونز، (۲۰۰۴) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶؛ شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸) این ضرایب برای کل پرسشنامه ۰/۸۵، و برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶ و ضریب باز-آزمایی ۰/۸۶؛ محمدی، زهراکار، داورنیا و شاکرمی (۱۳۹۳) این ضرایب برای خرده مقیاس تعهد شخصی ۰/۶۶، تعهد اخلاقی ۰/۷۶ و تعهد ساختاری ۰/۷۸ و بلاغت، احمدی و گلزاری مقدم (۱۳۹۵) این ضرایب را برای تعهد شخصی ۰/۷۱، تعهد اخلاقی ۰/۷۸ و تعهد ساختاری ۰/۸۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۵، ۰/۸۳، ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم-نسخه B (ROCI-II). این پرسشنامه در

سال ۱۹۸۳ توسط رحیم برای اندازه‌گیری پنج سبک حل تعارض شناسایی شده در کارهای به لک و موتون (۱۹۶۴) تدوین شده، و دارای ۲۸ ماده و پنج خرده مقیاس سبک یکپارچگی (۷ عبارت)، سبک مسلط (۵ عبارت)، سبک ملزم و (۶ عبارت)، سبک اجتناب‌کننده (۶ عبارت) و سبک مصالحه (۴ عبارت) می‌باشد. ماده‌های این پرسشنامه در یک طیف لیکرت ۵ رتبه‌ای (از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود (باباپور، ۱۳۸۵). رحیم و مگنر (۱۹۹۴) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را از ۰/۷۲ تا ۰/۷۷؛ حقیقی، زارعی و قادری (۱۳۹۱) ضریب پایایی تصنیف کل پرسشنامه ۰/۶۸، برای نیمه اول ۰/۷۲ و برای نیمه دوم ۰/۶۹ و بلداجی، ثابت زاده، فلاح چای و زارعی (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. رحیم و مگنر (۱۹۹۵) و حقیقی، زارعی و قادری (۱۳۹۱) مدل پنج عاملی سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک اجتنابی، سبک ملزم شده و سبک مصالحه را مورد تأیید قرار دادند. در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های یکپارچگی، مسلط، اجتنابی، مصالحه و ملزم شده به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۲، ۰/۷۴، ۰/۷۹ و ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس نگرش نسبت به خیانت زناشویی^۳. مقیاس نگرش نسبت به خیانت توسط مارک

واتلی^۴ در سال ۲۰۰۶ تهیه شده و شامل ۱۲ عبارت است که هر ماده در یک طیف هفت رتبه‌ای (مخالف = ۱ تا بسیار موافق = ۷) مرتب شده است. ماده‌های ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰ و ۱۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و حداقل و حداکثر نمره در این ابزار به ترتیب ۱۲ و ۸۴ است. بوکام (۲۰۰۵) ضریب

1. Inventory Conflict Resolution Styles-Rahim
2. Blake & Mouton
3. Attitudes toward Infidelity Scale
4. Whatthley

پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۸؛ عبدالله زاده (۱۳۸۹) ۰/۸۴؛ عجم (۱۳۹۵) ۰/۸۹ و شیوه و موسوی (۱۳۹۴) ۰/۸۶ گزارش کردند. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۵ به دست آمد.

روند اجرای پژوهش

اجرای این پژوهش با اخذ مجوز از آموزش و پرورش شهرستان پلدختر صورت گرفت و پس از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از میان ۳۰ مدرسه ابتدایی و پیش‌دبستانی در این شهرستان ۵ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و از میان کلاس‌های مدارس انتخاب شده از هر مدرسه ۳ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مراجعه به مدارس فوق‌الذکر و تشکیل جلسه با اولیاء دانش آموزان پرسشنامه در اختیار والدین قرار گرفت. توضیحات لازم در رابطه با هدف پژوهش، نکات مبهم پرسش‌ها و مسائل اخلاقی (رازداری، حق انتخاب و آزادی شرکت‌کنندگان برای عدم شرکت در پژوهش) با شرکت‌کنندگان گذاشته شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور ارزیابی مدل پیشنهادی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و AMOS و شاخص‌های برازندگی منجمله ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۲ (RAMSEA)، برازش تطبیقی^۳ (CFI)، برازندگی نرم شده^۴ (NFI)، نیکویی برازش^۵ (GFI)، نیکویی برازش تعدیل یافته^۶ (AGFI)، نسبت خی دو به درجه آزادی (df/2) و شاخص توکر لویس^۷ (TLI) و برای بررسی ضرایب غیرمستقیم مدل از روش بوت استراپ^۸ استفاده شد.

یافته‌ها

حداقل و حداکثر سن شرکت‌کننده‌ها به ترتیب ۲۶ و ۵۶ با میانگین ۳۶/۰۷ و انحراف معیار ۵/۸۹ سال؛ ۳۹/۸ درصد شرکت‌کننده‌ها دارای دیپلم و پایین‌تر، ۱۳/۳ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۳۹/۱ درصد با تحصیلات کارشناسی و ۷/۹ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر و میانگین و انحراف معیار طول مدت ازدواج شرکت‌کننده‌ها به ترتیب ۱۱/۷۶ و ۴/۷۱ بود.

1. Structural Equation Modeling
2. root mean square error approximation
3. comparative fit index
4. normed fit index
5. goodness of fit index
6. adjusted goodness of fit index
7. Tucker-Lewis index
8. Bootstrap

جدول ۱
شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
باورهای مذهبی	۲۷۹	۵۳/۱۲	۹/۷۷
عقاید - مناسک	۲۷۹	۷۱/۱۷	۱۴/۱۴
یکپارچگی	۲۷۹	۳۰/۴۰	۳/۰۹
مسلط	۲۷۹	۱۳/۰۲	۳/۸۶
سبک‌های حل تعارض	۲۷۹	۲۱/۷۷	۳/۴۱
ملزم شده	۲۷۹	۲۰/۵۴	۳/۹۸
اجتنابی	۲۷۹	۱۵/۳۳	۲/۳۲
مصالحه	۲۷۹	۳۱/۳۷	۳/۴۶
تعهد زناشویی	۲۷۹	۳۲/۶۳	۳/۷۵
تعهد شخصی	۲۷۹	۲۰/۹۴	۹/۶۷
تعهد اخلاقی	۲۷۹		
تعهد ساختاری	۲۷۹		

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین متغیرهای باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض، و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت همبستگی‌های مثبت و منفی معنادار وجود دارد.

تحلیل مدل اولیه نشان داد که مقادیر برازندگی تا حدودی پایین هستند و برای برازندگی بهتر مدل اولیه، از دو شاخص اصلاح استفاده شد: خطای E_4 به E_6 (سبک اجتنابی و سبک مسلط) و از خطای E_4 به E_7 (سبک اجتنابی سبک ملزم شده) که شاخص‌های برازندگی مدل افزایش یافتند (جدول ۳).

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، شاخص مجذور کای $92/8$ ($p < 0/001$) معنادار است. و شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی مدل به ترتیب $2/65$ کمتر از مقدار قراردادی ۳ می‌باشد. شاخص‌های دیگر از جمله شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، برازندگی نرم شده (NFI)، نیکویی برازش تعدیل یافته ($AGFI$) و شاخص توکر لوپس (TLI) همگی بالاتر از مقدار قراردادی $0/90$ هستند و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب ($RAMSEA$) $0/07$ بیانگر مقدار مجاز خطا است. بر اساس یافته‌های به دست آمده مدل از برازش کافی در جامعه برخوردار است.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، ضرایب مسیرهای مستقیم باورهای مذهبی بر تعهد زناشویی ($t = 3/13, P < 0/002$)، سبک‌های حل تعارض بر تعهد زناشویی ($t = 2/04$ و $P < 0/004$) به صورت مثبت و ضرایب مسیرهای مستقیم تعهد زناشویی بر نگرش به خیانت زناشویی ($t = -2/46, P < 0/002$) و باورهای مذهبی با نگرش به خیانت زناشویی ($t = -2/33, P < 0/004$) به صورت منفی معنادار می‌باشند، در صورتی که ضریب مسیر مستقیم سبک‌های حل تعارض با نگرش به خیانت زناشویی ($t = -0/17$ و $P = 0/09$) معنادار نیست.

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	یکپارچگی	اجتنابی	مسلط	مصالحه	ملزم شده	تعهد ساختاری	تعهد شخصی	تعهد اخلاقی	عقاید مناسک	اخلاقیات	خیانت
سبک یکپارچگی											
سبک اجتنابی	-.۱۵*										
سبک مسلط	-.۲۳**	-.۱۲*									
سبک مصالحه	۰/۴۵**	-.۲۰**	۰/۱۶*								
سبک ملزم شده	۰/۳۳**	-.۲۶**	-.۱۱**	۰/۲۴**							
تعهد ساختاری	۰/۳۲**	-.۱۰**	-.۱۵**	۰/۱۷**	۰/۱۹**						
تعهد شخصی	۰/۱۲**	-.۲۵**	-.۳۶**	۰/۱۲**	۰/۱۶**	۰/۱۵*					
تعهد اخلاقی	۰/۲۷**	-.۱۲**	-.۲۱**	۰/۱۶**	۰/۱۳**	۰/۱۲**	۰/۳۶**				
عقاید-مناسک	۰/۲۶**	-.۱۰*	-.۱۱*	۰/۱۰**	۰/۱۸**	۰/۳۱**	۰/۱۹**	۰/۲۵**			
اخلاقیات	۰/۳۷**	-.۱۸**	-.۲۶**	۰/۱۶*	۰/۱۰*	۰/۲۹*	۰/۳۰**	۰/۳۲**	۰/۴۸**		
نگرش به خیانت زناشویی	-.۱۹**	۰/۱۳**	۰/۱۵**	-.۱۶**	-.۰۵**	-.۰/۱۸**	-.۰/۱۷*	-.۰/۲۲**	-.۰/۲۲**	-.۰/۲۹**	

*P < ۰/۰۵

**P < ۰/۰۱

سبک های حل توافقی
تعهد زناشویی
بهره های مذهبی

جدول ۳

شاخص‌های برازندگی مدل نهایی پژوهش

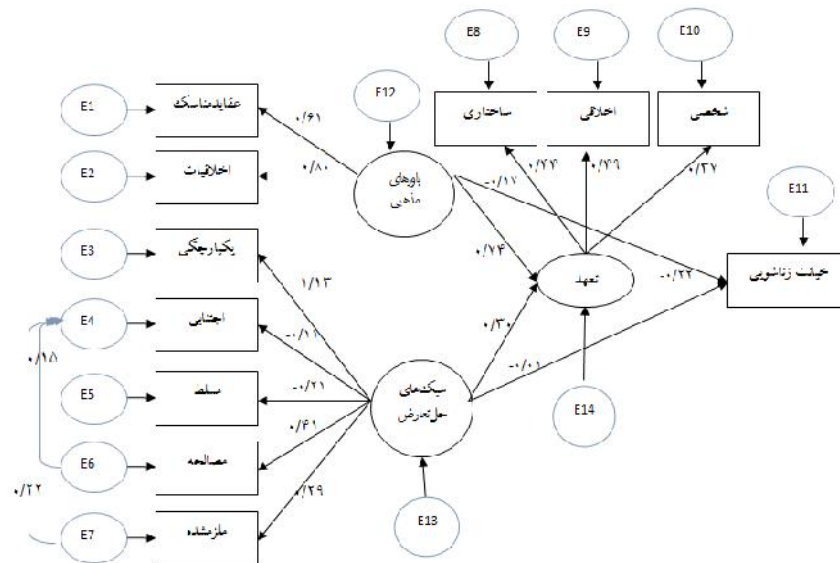
TLI	AGFI	GFI	NFI	CFI	RAMSEA	χ^2/df	P	df	میل ²
۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۰۷	۲/۶۵	P < /	۳۵	۹۲/۸

جدول ۴

ضرایب غیرمستقیم مدل نهایی به روش بوت استرپ

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع اثر	حد پایین	حد بالا	بوت استرپ
باورهای مذهبی	نگرش به خیانت	با واسطه تعهد	-۰/۰۹	-۰/۰۳	-۰/۰۶
سبک‌های حل تعارض	نگرش به خیانت	با واسطه تعهد	-۰/۰۴	-۰/۰۰	-۰/۰۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، که تعهد زناشویی میانجی بین باورهای مذهبی و نگرش نسبت به خیانت زناشویی و سبک‌های حل تعارض با نگرش نسبت به خیانت زناشویی است. در هر دو مسیر غیرمستقیم حد بالا و حد پایین صفر را در بر نمی‌گیرد و نشان‌دهنده‌ی نقش تعهد زناشویی مابین باورهای مذهبی و سبک‌های حل تعارض با نگرش زوجین نسبت به خیانت زناشویی است.



نمودار ۱

مدل نهایی

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی در میان والدین دانش آموزان دبستانی و پیش دبستانی شهرستان پلدختر بود. نتایج برازش مدل نشان داد که مدل با داده‌های جامعه منطبق است و برازش مناسبی دارد و تمام مسیرهای ارائه شده در مدل به جز مسیر مستقیم سبک‌های حل تعارض با نگرش مثبت به خیانت زناشویی معنی‌دار بودند. شناسایی عامل‌های مؤثر بر نگرش زوجین به خیانت زناشویی به مشاوران زناشویی کمک می‌کند تا ثبات زندگی زناشویی را پیش‌بینی نمایند. نتایج نشان داد که باورهای مذهبی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق نقش واسطه‌ای تعهد زناشویی بر نگرش نسبت به خیانت زناشویی اثر دارند، که بسیاری از تحقیقات این یافته‌ها را تأیید می‌کنند (هاسلی، ۲۰۰۶؛ لویز و برنان، ۲۰۱۱؛ بلو، ۲۰۰۵؛ بلاغت، احمدی و گلزاری مقدم، ۱۳۹۵؛ عجم، ۱۳۹۵). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وجود شباهت ارزش‌های دینی در میان زوجین و همچنین پابندی آن‌ها به ارزش‌های مذهبی و باورهای غنی، می‌تواند عامل حفظ و تداوم روابط صمیمانه و طولانی مدت باشد و عکس قضیه نیز صادق است و یکی از عوامل مؤثر در بروز ناسازگاری زناشویی و تمایل به روابط خارج از ازدواج عدم پابندی خانواده‌ها به ارزش‌های مذهبی و یا وجود تفاوت‌های ارزشی شدید در سطوح مختلف است. در تبیین این یافته می‌توان گفت در دو دهه اخیر و با گسترش مباحث مربوط به روانشناسی، دین با نقش مثبتی که در سالم‌سازی و کامل‌سازی انسان و ایجاد جامعه سالم و رو به رشد دارد، توجه بسیاری از روانشناسان را برانگیخته است و در جایگاه نظام پیچیده اجتماعی اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند. از آنجایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای تقویت اجتماعی شدن به هم وابسته هستند، می‌توان نقش دین در زندگی اجتماعی را به عنوان یک متغیر کنترل‌کننده در نظر گرفت. در واقع، اعتقاد و التزام زوجین به باورها و ارزش‌های خاص ایرانی-اسلامی در حوزه خانواده و ازدواج می‌تواند نقش مهمی در حفظ و تداوم میزان پابندی و وفاداری آنان نسبت به همسر و ازدواج‌شان ایفا نماید و همچنین باور و تعهد به ارزش‌ها، موجب کاهش احتمال بروز آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی شایع در جامعه امروز از جمله خیانت شود (ملازاده، منصور، اژه‌ای و کیامنش، ۱۳۸۱). پژوهش عباسی، احمدی، فاتحی زاده و بهرامی (۱۳۹۵) نیز نشان داد که مفهوم تعهد که تأثیر محافظت‌کننده آن در پژوهش‌های متعدد تأیید شده است، می‌تواند در کاهش و پیشگیری معضلات و آسیب‌های مختلف حوزه خانواده مانند عهدشکنی زناشویی مؤثر باشد.

یافته دیگر نشان داد که بین سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی همبستگی وجود دارد، که یافته‌های ولن (۲۰۰۶)، براوو و لپکین (۲۰۱۰)، درعلی و سهرابی (۱۳۹۳)، امانی و لطافتی بریس (۱۳۹۲) این نتایج را تأیید می‌کنند. چرا که استفاده از سبک حل تعارض زوجین را به سمت افزایش رضایت زناشویی هدایت می‌کند و در واقع با کاهش تعارض‌های زناشویی بین زوجین، کیفیت روابط و سلامت زوجین ارتقاء یافته و پای بندی آنها به زندگی زناشویی بیشتر می‌شود.

ویکز و تربیت (۲۰۱۰) نیز همسران متعارض را کسانی می‌دانند که از عادات و شخصیت همسر خود ناراضی بوده و دارای مشکلات ارتباطی در حوزه‌های گوناگون هستند، که این مشکلات سازگاری زناشویی در طول زندگی مشترک و جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب کاهش دلگرمی و صمیمیت زوجین و نگرش منفی آنها نسبت به هم می‌شود. پادیا (۲۰۱۴) دریافت که سبک‌های حل تعارض نقش واسطه در رابطه بین دلبستگی و کیفیت زناشویی دارد و مجموعه‌ای از راهبردهای مثبت حل تعارض در زوج‌ها، برای ارتقاء کیفیت زناشویی مؤثر می‌باشد. براور و لپکین (۲۰۱۰) در مدلی که جهت تبیین خیانت‌های زناشویی ارائه می‌دادند یکی از مهمترین عوامل مؤثر در رخداد این پدیده را تعارض و اختلاف‌های میان زوجین عنوان می‌کنند، و نشان دادند که خیانت زناشویی هم به عنوان علت و هم به عنوان پیامد کیفیت زناشویی پایین به حساب نمی‌آید و اگر تعارض به صورت مفید مورد استفاده قرار بگیرد می‌تواند عاملی پر بار در جهت درک عمیق‌تر روابط متقابل و ثمربخش باشد. بنابراین سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین افراد درگیر وابسته نیست، بلکه به چگونگی توزیع و نحوه حل تعارض بستگی دارد (براور و لپکین، ۲۰۱۰، به نقل از اسمیت، گرین و پراتی، ۲۰۱۵). پژوهش‌های ویس (۲۰۱۴)، مورارا و ترلک (۲۰۱۳)، دیلدار، سیتوات و یاسین، (۲۰۱۳)، و چنگ (۲۰۱۰) نیز به نقش تأثیر گذار آموزش مهارت‌های حل تعارض زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر پرداخته‌اند و تأکید می‌کنند که آموزش مهارت‌های لازم جهت حل تعارض‌های زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر و بالا رفتن تعهد آنها مفید است. با توجه به مرور پژوهش‌های ذکر شده و با نظر به تأثیر غیر قابل انکار نقش مذهب در زندگی زناشویی زوجین و از طرفی با عنایت به استفاده صحیح از سبک‌های حل تعارض در زمان بروز تنش و اختلاف بین زوجین، می‌توان خاطر نشان نمود که مهارت‌های حل تعارض در کنار اشتراک‌های مذهبی به زوجین کمک می‌کند تا فضای همدلی و صمیمیت نزدیکی را با یکدیگر برقرار نمایند و با علاقه و انگیزه بیشتری در جهت حل اختلاف نظرات و مشکلات خود گام برداشته و دور از انتظار نیست که این راهبردها و نقاط مشترک، روابط فرا-زناشویی را کاهش داده و تعارض‌های زناشویی را کمرنگ سازد و در نهایت بهبود کیفیت روابط زناشویی را در پی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر، با ارائه یک مدل ساختاری شواهد تجربی مناسبی را در تأیید نقش مذهب و شیوه‌های سازنده حل تعارض در ارتقا ابعاد تعهد زناشویی فراهم آورد و نیز نقش این ابعاد را در کاهش روابط فرا-زناشویی تا اندازه‌ای روشن نمود. از آنجایی که پژوهش حاضر بر روی والدین دانش آموزان پیش دبستانی و دبستان شهرستان پلدختر صورت گرفته است، باید در تعمیم نتایج به دیگر شهرها احتیاط نمود. با این وجود، برگزاری سمینارها و جلساتی با حضور صاحب‌نظران اسلامی، مشاوران و روانشناسان با هدف بکارگیری مفاهیم دینی در فرآیند مشاوره و روان‌درمانی و تأکید بر نقش مثبت دین و آموزه‌های آن برای پیشگیری و حل مشکلات زناشویی زوجین از پیشنهادات این پژوهش می‌باشد.

منابع

- امانی، احمد و لطافتی بريس، رامین (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوجین. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۳(۲)، ۱۷-۳۶.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰). *آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
- بخشی پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمدرضا؛ شیرعلی پور، اصغر و احمد دوست، حسین (۱۳۹۱). رابطه‌ی عملکرد خانواده با تعارض‌های زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۳(۲)، ۱۱-۱۹.
- بلاغت، رضا؛ احمدی، هادی و گلزاری مقدم، نجمه (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان. *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۰(۳۲)، ۱۸۷-۲۰۸.
- حقیقی، حمید؛ زارعی، اقبال و قادری، فؤاد (۱۳۹۱). بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) در بین زوجین ایرانی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳(۱)، ۵۳۴-۵۶۲.
- درعلی، رؤیا و سهرابی، نادره (۱۳۹۳). نقش واسطه‌گری تعارض‌های زناشویی در رابطه بین سبک‌های تنظیم شناختی هیجانی و کیفیت روابط جنسی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۴(۲)، ۳۷-۴۸.
- شاکرمی، محمد؛ زهراکار، کیانوش و محسن زاده، فرشاد (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه بین تحریف‌های شناختی بین فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۸(۲)، ۵۴-۶۳.
- شاه سیاه، مرضیه (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهر رضا. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱(۴۳)، ۲۳۳-۲۳۸.
- عباسی مولید، حسین (۱۳۹۰). رابطه‌ی تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین: مطالعه موردی استان خراسان جنوبی. *فصلنامه دانش انتظامی شرق تهران*، ۴(۱)، ۸-۱۴.
- عباسی، حسین؛ احمدی، سید احمد؛ فاتحی زاده، مریم و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۵). تأثیر واقعیت درمانی گلاسر بر تعهد شخصی زوجین. *دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲(۱)، ۳۹-۵۳.

عجم، علی‌اکبر (۱۳۹۵). تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم ماهرهای بر تعارض زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی. *فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۱۰(۱۸)، ۱۲۵-۱۴۶.

کریمی بلداجی، روح اله؛ ثابت زاده، ماجده؛ فلاح چای، رضا و زارعی، اقبال (۱۳۹۲). سبک‌های دلبستگی بزرگسالان به عنوان پیش‌بینی کننده سبک‌های حل تعارض زناشویی در بین دبیران متأهل شهر بندرعباس. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۱)، ۸۶-۱۱۲.

کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۲)، ۲۴۳-۲۵۶.

محمدی، بهناز؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا و شاکرمی، محمد (۱۳۹۳). بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. *مجله دین و سلامت*، ۲(۱)، ۱۵-۲۳.

ملازاده، جواد؛ منصور، محمود؛ اژه‌ای، جواد و کیامنش، علیرضا (۱۳۸۱). سبک‌های رویارویی و سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد. *مجله روانشناسی*، ۳(۳)، ۲۵۵-۲۷۵.

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Markman, H. J., Williams, T., Melton, J., & Clements, M. L. (2008). Premarital precursors of marital infidelity. *Family Process*, 47(2), 243-259.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 735.
- Aviram, I., & Amichai-Hamburger, Y. (2005). Online infidelity: Aspects of dyadic satisfaction, self-disclosure, and narcissism. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 10(3), 34-54.
- Ben-Ari, R., & Hirshberg, I. (2009). Attachment styles, conflict perception, and adolescents' strategies of coping with interpersonal conflict. *Negotiation Journal*, 25(1), 59-82.
- Bravo, I. M., & White Lumpkin, P. (2010). The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *The American Journal of Family Therapy*, 38(5), 421-432.

- Calhoun, C. (2004). An apology for moral shame. *Journal of Political Philosophy*, 12(2), 127-146.
- Call, V. R., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 12(3), 382-392.
- Catalano, R. F., Berglund, M. L., Ryan, J. A., Lonczak, H. S., & Hawkins, J. D. (2004). Positive youth development in the United States: Research findings on evaluations of positive youth development programs. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 59 (1), 98-124.
- Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34(4), 354-362.
- Curtis, K. T., & Ellison, C. G. (2002). Religious heterogeneity and marital conflict findings from the national survey of families and households. *Journal of Family Issues*, 23(4), 551-576.
- DeMaris, A., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2010). Sanctification of marriage and general religiousness as buffers of the effects of marital inequity. *Journal of Family Issues*, 31, 1255-1278.
- Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S. (2013). Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15(10), 1433-1439.
- Dudley, M. G., & Kosinski Jr, F. A. (1990). Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of Religious Research*, 78-86.
- Fife, S. T., Weeks, G. R., & Stellberg-Filbert, J. (2013). Facilitating forgiveness in the treatment of infidelity: An interpersonal model. *Journal of Family Therapy*, 35(4), 343-367.
- Harmon, D. K. (2005). *Black men and marriage: The impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on marital satisfaction* (Doctoral dissertation). University of Alabama. Alabama.
- Hawkins, J. D., Catalano, R. F., & Miller, J. Y. (1992). Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: Implications for substance abuse prevention. *Psychological Bulletin*, 112(1), 64.
- Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, 6(1), 1-55.
- Hunler, O. S., & Gençöz, T. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem

- solving between religiousness and marital satisfaction relationship. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool commitment and family life-cycle stage. *Journal of Family Issues*, 24(2), 155-184.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations*, 55(4), 439-449.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent-child relationships. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11(3), 614-628.
- Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., & Weidler, D. J. (2010). Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family Issues*, 31(11), 1465-1480.
- Mosako, J. (2009). *Commitment and attachment dimensions*. (Doctoral Dissertation). Purdue University.
- Muraru, A. A., & Turluc, M. N. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: A path analysis model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 90-94.
- Nelson, J.A., Kirk, A.M., Ane, P., & Serres, S.A.(2011). Religious and spiritual values and moral commitment in marriage: Untapped resources in couples counseling? *Journal of Counseling and Values*, 55(3), 228-246.
- Paidéia, P (2014). *Marital quality and attachment: The mediator role of conflict resolution styles*. Universidad Federal do Rio Grande do Sul, Porto Alegre-RS, Brazil.
- Platt, R. A., Nalbone, D. P., Casanova, G. M., & Wetchler, J. L. (2008). Parental conflict and infidelity as predictors of adult children's attachment style and infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, 36(2), 149-161.
- Rahim, M. A. (1983). A measure of styles of handling interpersonal conflict. *Academy of Management journal*, 26(2), 368-376.
- Ramirez, A. (2008). An examination of the tripartite approach to commitment: An actor-partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25(6), 943-965.

- Rusbult, C. E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology, 16*, 172-186.
- Rusbult, C. E., Verette, J., Whitney, G. A., Slovik, L. F., & Lipkus, I. (1991). Accommodation processes in close relationships: Theory and preliminary empirical evidence. *Journal of Personality and Social Psychology, 60*(1), 53-78.
- Schmidt, A. E., Green, M. S., & Prouty, A. M. (2015). Effects of parental infidelity and inter-parental conflict on relational ethics between adult children and parents: a contextual perspective. *Journal of Family Therapy, 32*(5), 46-65.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues, 37* (2), 246 - 268.
- Shackelford, T. K., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individual Differences Research, 6*(1), 13-25.
- Shiota, M. N., & Levenson, R. W. (2007). Birds of a feather don't always fly farthest: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages. *Psychology and Aging, 22*(4), 666.
- Tang, C. Y., & Curran, M. A. (2012). Marital commitment and perceptions of fairness in household chores. *Journal of Family Issues, 34*(12), 1598-1622.
- Weaks, G. R., & Treat, S. R. (2010). *Couples in treatment techniques and approaches for effective practice*. New York: Brunner-Rutledge.
- Weiss, J. M. (2014). *Marital preparation, experiences, and personal qualities in a qualitative study of individuals in great marriages*. (Master of Science). Utah State University, Logan Utah.
- Weisskirch, R. S., & Delevi, R. (2013). Attachment style and conflict resolution skills predicting technology use in relationship dissolution. *Computers in Human Behavior, 29*(6), 2530-2534.
- Whatley, M. (2006). Attitudes toward Infidelity Scale, Department of Psychology, Valdosta State University.
- Whelan, S. E. (2006). *An exploration of marital interaction: The relationship between Gutman's conflict resolution style and 'four horsemen', attachment theory, perception, gender and marital satisfaction*. Swinburne University of Technology.